

عکاسی جنگ داعش

عطیه نتاج مجد^۱، مهدی توکلی^۲

^۱ عضو هیأت علمی موسسه آموزش عالی طبری (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی طبری

چکیده

در عکس ظرفیت های ناشناخته ای وجود دارد که از حیث واقعیت به مراتب به آنچه رخ داده نزدیک تر از روایت های ادبی و تاریخی است. عکاسی جنگ، تأثیرات عمیقی بر افکار عمومی دارد. عکاسی جنگ طرز تلقی مردم نسبت به جنگ و نیز نحوه ی پوشش خبری از سوی مطبوعات را به کلی متحول کرد. مردم معمولاً با خواندن یک گزارش در روزنامه تصور درستی از واقعیت های شوم جنگ پیدا نمی کنند، اما معمولاً با دیدن یک عکس یا تصویر جنگی خیلی موثرتر و سریع تر به این واقعیت پی می برند. مقاله حاضر سعی دارد به بررسی عکاسی جنگ داعش با استفاده از تصویر سازی برای شکل دهی به ادراک و ذهنیت اشخاص و نهادها و بازیگران از موقعیت، ویژگی ها و محتوا بپردازد. در واقع این گروه توانسته اند از خود تعریف هویتی جدیدی را ارائه و براساس همین تعریف جدید، «خود» و «دیگری»، «دوست» و «دشمن» را باز تعریف کنند در راستای بررسی چرایی این مسئله، پاسخ اصلی مقاله حاضر این است که تصاویر جایگاهی برجسته در نمایش خشونت داعش داشته و انعکاس آنها تأثیرات زیادی را بر زیست اجتماعی مردمان داشته است.

واژه های کلیدی: عکاسی جنگ، داعش، جنگ سوریه، نمایش خشونت

مقدمه

جنگ همواره بوده است. جنگ سرتاسر کره زمین را به وضعیت فرسوده کنونی کشانده است و هیچ دلیل قابل توجهی برای باور به از میان رفتن جنگ در آینده وجود ندارد. به همان اندازه که انسان بیشتر و بیشتر به سوی تمدن می‌رود، روش او برای ویران کردن انسانیت خویش همواره موثرتر، بی رحم‌تر و ویران‌کننده تر می‌شود (سانتاک، ۱۳۸۹).

آیا ممکن است تا تصاویر رفتار بشر که در سرتاسر تاریخ از طریق عکاسی وجود داشته است، خاتمه یابد، مناسبات فکری بیش از حد معمول خنده دار به نظر می‌رسند. توانایی عکاسی در قابلیت آن برای برانگیختن حس بشریت قرار دارد. اگر جنگ تلاشی است برای انهدام بشریت، عکاس می‌تواند نقطه مقابل آن باشد، و اگر جنگ عاقلانه به کار می‌رود، عکاس می‌تواند جزء قدرتمندی در جبران آن باشد (بارت، ۱۳۸۹).

بیان مساله

عکاسی جنگ، تاثیرات عمیقی بر افکار عمومی دارد. برخی اوقات عکس های جنگی این باور را تقویت می کنند که جنگ به راه افتاده کاملاً بر حق است و توجیه دارد و موجب تحکیم روحیه ی میهن پرستی و ایجاد انسجام در قوای نظامی می شوند (پایه شناس، ۱۳۸۷). چنین عکس هایی قوای نظامی یک کشور را یا قهرمان و راهگشا معرفی می کنند و یا جنایت های مرتکب شده نیروی دشمن را علیه منافع خودی به تصویر میکشند. با این همه، عکسهای جنگی می توانند تاثیرات منفی نیز بر جای بگذارند و باعث چرخش افکار عمومی در خصوص جنگ شوند. کسی که باور دارد در این جهان پُر از نفاق، وقوع جنگ اجتناب ناپذیر و حتی به حق است ممکن است بگوید عکس ها هیچ مدرکی برای تکذیب جنگ ارایه نمی دهند؛ برای آنها اعتقاد به دلاوری و فداکاری از هرگونه معنا و اعتبار عاری است. ویرانگری جنگ- که تباهی کامل نه، بلکه خودکشی است- به خودی خود، دلیلی علیه جنگ افروزی نیست، مگر اینکه کسی بر این باور باشد که غارتگری و خشونت همیشه توجیه ناپذیر، و ظلم و تعدی در هر شرایطی اشتباه است (سانتاک، ۱۳۹۸؛ به نقل از خبیری). در حقیقت فرصت های بی شماری که زندگی مدرن در اختیار ما می گذارد، همچون عکاسی و امکان مشاهده از راه دور، کاربردهای متعددی را برای نگرستن به درد و رنج دیگران فراهم می آورند. عکس های خشونت و غارت ممکن است عکس العمل های مخالف را بیدار کنند، شاید نوایی برای صلح، یا نعره ای برای انتقام بیافرینند، یا صرفاً یک آگاهی گنگ ایجاد کنند و آن آگاهی، به تدریج، با داده های عکس احیا شود تا ثابت کند چیزی رعب آور در حال وقوع است.

تماشای مصایبی که در کشوری دیگر رخ می دهد، بی شک، یکی از تجربه های اصلی دوران مدرن به شمار می رود، و بیش از یک و نیم قرن است که انبوه عکاسان، آنها را به شکل انبوه در اختیار ما می گذارند. امروزه جنگ جزئی از صدا و تصویر اتاق های پذیرایی شده است؛ اطلاعات مربوط به وقایعی که در کشوری دیگر رخ می دهد و «اخبار» نام دارد و خشونت را به

معرض نمایش می گذارند. «اگر خون و خون ریزی در میان باشد، خبر جنجال برانگیز است.» این جمله ای است که در دستورالعمل بی چون و چرای مطبوعات گنجانده شده است و برنامه ها را ۲۴ ساعته تحت کنترل دارد و با نمایش حوادث نکبت بار، شفقت، خشم، هیجان یا ستایش را بیدار می کند.

چگونگی واکنش ما به موج روزافزون اخبار مربوط به فجایع جنگ معضلی است که از اواخر قرن نوزده مطرح بوده. در ۱۸۹۹، گوستاو موانیر، اولین رئیس کمیته ی ملی صلیب سرخ، نوشت:

امروزه سردرآوردن از این که در جهان چه می گذرد کار دشواری نیست؛ تصور کردن آن ها که در میدان های جنگ رنج می کشند و پژواک نعره های شان در گوش طنین می افکند با گزارش های روزانه ی ژورنالیست ها و عکاسان میسر است.

موانیر به تلفات رو به رشد مبارزانی اشاره دارد که در صلیب سرخ، فارغ از این که آنان برای چه جناحی می جنگند، سعی دارد به یاری شان بشتابد. به مدد برخی تجهیزات نظامی، مانند تفنگ های ته پر و مسلسل که پس از جنگ کریمه (۱۸۵۶-۱۸۵۴) معرفی شدند، قدرت کشتار در میادین جنگ شکوه و عظمت جدیدی یافت؛ با این حال، هر قدر هم مطبوعات در ۱۸۹۹ به صورت بی سابقه ای فجایع جنگی را نمایش می دادند، بی تردید اگر کسی ادعا کند «از آن چه هر روز بر سر دنیا می آید» آگاه بوده گزاف گفته است. امروز هم با این که هر لحظه چشم ها و گوش های مان در معرض حمله ی مصیبت های تحمیلی به سرزمین های دور است، باز هم ادعای چنین سخنی افراق است. آن چه اهل رسانه در سبک اخبارگویی خود «جهان» می نام- چنان چه یک شبکه ی رادیویی، چندین بار در ساعت بلغور می کند «۲۲ دقیقه از وقت تان را به ما بدهید، ما جهان را به شما می دهیم»- بر خلاف خود جهان از نظر جغرافیایی و موضوعی مکانی کوچک است به جای اطلاق می شود که گویی هر اتفاقی در آن می افتد و ارزش پخش کردن دارد باید مختصر و مفید و با تاکید مخابره شود.

آگاهی از عذابی که شمار جنگ ها در «جاهای دیگر» موجب شده اند چیزی ساختگی است. اصولاً قشقرقی که دوربین ها راه می اندازند، به سرعت جرقه می زند، تعداد بیشماری از مردم پخش می کنند و چند صباحی بعد هم کمک کم ناپدید می شوند. در تقابل با نوشتار که بر اساس پیچیدگی تفکر و مرجع و واژگانش، خوانشی عمیق یا سطحی می طلبد، عکس تنها از یک زبان برخوردار است و آن را به قصد توجه همگان به کار می برد.

ثبت نبرد در نخستین جنگ های مهم، چون جنگ کریمه، جنگ داخلی آمریکا و هر جنگ دیگری تا جنگ جهانی اول (مستنداتی چند از آن ها به دست عکاسان باقی مانده است) خارج از توانایی دوربین بود. عکس های مربوط به جنگ های بین ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ که تقریباً تمامی آن ها کار عکاسان گم نام است (که بی شک حس ترس و انهدام را منتقل می کنند)، عموماً شرح حماسه هستند و معمولاً پیامدهای جنگ را به تصویر می کشند: افقی خاکستری پر از اجساد رها شده در خندق ها یا روستاهای ویران شده ی فرانسوی که جنگ شکم های شان را دریده است. راهبردها و تاکتیک های که داعش برای توسعه

طلبی ارضی به کار گرفته است دامنه گسترده ای دارد. این گروه از وجوه مختلف سخت افزاری و نرم افزاری در این راستا بهره گرفته است. این تدابیر از استفاده ماهرانه از ابزارهای رسانه ای تا فضای مجازی و تهیه کلیپ و ویدیوها از اقدامات این گروه (به طور مثال سر بردن گروگان های خود) به منظور رعب انگیزی و هراس افکنی در چارچوب جنگ روانی تا تولید محصولات دیداری-شنیداری برای جذب مخاطب و همچنین بکارگیری تسلیحات شیمیایی (مانند استفاده از گاز ساردین در مناطق درگیری سوریه) و عملیات های انتحاری را در بر می گیرد. به زعم داعش ویدیوهای تبلیغاتی داعش عامدانه تکان دهنده اند تا در دل دشمنان رعب ایجاد کنند (تودنهورف، ۱۳۹۴). به اذعان صاحب نظران داعش یک جنگ روانی است. یکی از ابزارهایی که داعش برای نشان دادن قدرت و همینه خود به کار می برد، استفاده از تکنیک های عملیات روانی است. داعش با «تبلیغات» سیاه بر ایجاد مشکل، سردرگمی، و وحشت آفرینی در جوامع مسلمان تاکید دارد و با این وسیله از مشروعیت دشمنان خود اعتبار زدایی می کند.

وحشت آفرینی و شستشوی مغزی نیز از دیگر تکنیک های عملیات روانی داعش است (عبدالملکی، ۱۳۹۴). جنگ روانی برای داعش از اهمیت زیادی برخوردار است، به طوری که اهمیت آن از جنگ نظامی و میدانی کمتر نیست؛ از همین رو، داعش رسانه و تبلیغات را نیمی از جهاد می داند. بزرگترین موفقیت و کامیابی تروریست های داعش را می توان در عملیات روانی و فریب دادن افکار عمومی از طریق ابزارها و شبکه های اجتماعی دانست. این حربه یکی از موثرترین عوامل پیشروی این گروه در استان های تصرف شده عراق بدون هر گونه جنگ و درگیری به شمار می رود (نجات، ۱۳۹۴).

پیشینه تحقیق

پایه شناس (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان بررسی ویژگیهای عکاسی جنگ و آثار به جامانده از جنگ پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که عکاسی جنگ طرز تلقی مردم نسبت به جنگ و نیز نحوه ی پوشش خبری از سوی مطبوعات به کلی متحول کرد. مردم معمولاً با خواندن یک گزارش در روزنامه تصور درستی از واقعیت های شوم جنگ پیدا نمی کنند، اما معمولاً با دیدن یک عکس یا تصویر جنگی خیلی مؤثرتر و سریع تر به واقعیت پی می برند.

رحیمیان (۱۳۹۱)، در پژوهشی به مطالعه ی قربانیان جنگ، بررسی کنش متقابل در شیوه عکاسی و عکس های مهدی منعم پرداخته است. در نتیجه با بررسی دیدگاه و آثار عکاسی منعم رویکرد شخصی او نسبت به جهان، زندگی و انسان ها آشنا می شویم. عکس و عکاسی برای او رسانه ای است که با بکارگیری آگاهانه آن قصد دارد تا شرایط زندگی دیده نشده و فراموش شده قربانیان غیرنظامی را در جریان زندگی با آنان تا حد امکان درک و احساس کند و تاثرات خود را با این شیوه بیان کند.

خونساری (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان، عکس های غیرحرفه ای جنگ ایران و عراق به مثابه متن (عکس های والفجر مقدماتی، کانال کمیل) که تعداد بی شمار عکس های غیرحرفه ای آن می تواند به خوانش عینی آنچه رخ داده کمک کند. در

مجموعه عکسهای مورد مطالعه، «دیگری» یا دشمن بعثی، حضور پررنگی ندارد. در این عکسها نگرشی از دوستی و روابط اجتماعی وجود دارد که ذات آن با گفتمان دشمن ستیزی که در جوامع در حال جنگ گفتمان غالب بوده، متفاوت است ستاری و سیگارچیان (۱۳۹۸) در تحقیق به معرفی چهار درونمایه ی اصلی حاکم بر تصاویر مجموعه کتاب های عکس جنگ تحمیلی، دفاع در برابر تجاوز پرداخته است. عکاسی جنگ به چهار گروه اصلی، یعنی ویرانگی و آوارگی، مرگ و احتضار، اتحاد و همبستگی، خطّ مقدم و نمایش قدرت، تقسیم می شود. شکل بازنمایی جنگ، در مجموعه عکسهای "جنگ تحمیلی"، در واقع، بر مبنای روایتی از "چگونگی مورد تجاوز قرارگرفتن خاک ایران تا شکست دشمن متجاوز" استوار است.

ضرورت پژوهش

جنگ همواره بوده است. جنگ سرتاسر کره زمین را به وضعیت فرسوده کنونی کشانده است، و هیچ دلیل قابل توجهی برای باور به از میان رفتن جنگ در آینده وجود ندارد. به همان اندازه که انسان بیشتر و بیشتر به سوی تمدن می رود، روش او برای ویران کردن انسانیت خویش همواره موثرتر، بی رحم تر و ویران کننده تر می شود (سانتاک، ۱۳۹۸). بنابراین با توجه به خلاء پژوهشی در زمینه جنگ داعش و ضرورت بالا بردن آگاهی اجتماعی از تاثیرات این جنگ و همچنین ارایه تحقیقی مدون در زمینه بررسی ویژگی های عکس های جنگ با داعش و مقایسه با سایر گونه های عکاسی محقق را بر آن داشت که بنا به چشم انداز خود نسبت به عکاسی جنگ، توانایی عکاسی در قابلیت آن برای برانگیختن حس بشریت بهره برد.

فرضیات پژوهش (پیش فرضهای پژوهش):

- ۱- عکس های جنگ داعش با جنگ های گذشته تفاوت دارد.
- ۲- عکس های جنگ داعش در مقایسه با جنگ های گذشته تاثیرات متفاوتی دارد .
- ۳- عکس های جنگ داعش در دهه اخیر با وجود مدرن بودن زندگی امروزه تاثیرات روانی بر جامعه داشته است.

سوالات پژوهش

- ۱- چگونه می توان عکس های جنگ داعش را با جنگ های گذشته، متفاوت دید؟
- ۲- در مقایسه با جنگ های گذشته، عکس های جنگ داعش چه تفاوتی در آن دیده می شود؟
- ۴- عکس های جنگ داعش در دهه اخیر چه تاثیرات روانی بر جامعه داشته است؟

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس ماهیت تحقیق توصیفی و تحلیلی است و بر اساس شیوه گردآوری داده ها به صورت مطالعه میدانی و کتابخانه ای است و از نظر هدف نیز از نوع تحقیق کاربردی به حساب می آید. همچنین به منظور بررسی فرضیه های پژوهش و با توجه به ماهیت اطلاعات و داده های پژوهش که مبتنی بر اطلاعات کمی و واقعی با تطبیق دیدگاه های صاحب نظران و کارشناسان مسائل جنگ به مطالعه ی عکس های جنگ داعش و تحلیل و ارزیابی آن ها در سطح جهانی می پردازد. روش مطالعه هم کتابخانه ای است.

نتیجه گیری و پاسخ به سوالات پژوهش

-تفاوت عکس های جنگ داعش با جنگ های گذشته

عمده عکاسان جنگ های جهانی عضو ارتش ها بودند و به عنوان بخشی از وظیفه میهنی یا ملی خود با حس همزادپنداری با موضوع که همان جنگ کشور مطبوع اش بوده برخورد می کردند و این در حالی است که عکاسان مربوط به داعش دست کم در جبهه خود گروه، استخدام شده بودند و به عنوان بخشی از مأموریت اقتصادی به بازنمایی جنگ های داعش نگریسته است. عکس های نبرد های قدیمی با وجود کمبود تکنولوژی و دوربین های نگاتیو دارای کیفیت مطلوب و ترکیب بندی های متنوع است در حالی که عکس های داعش دارای یکنواختی زاویه دید و ترکیب بندی سریالی و شبیه به هم هستند. به طور مثال، عکسی از جیمز فولی و نیک برگ در سال ۲۰۱۴ دقیقاً قبل از اعدام منتشر کرده که با لباس نارنجی بر زمین و در جلو مردان ایستاده و مسلح داعش در حال تهدید کردن را نشان می دهد. این فرم ترکیب بندی در عمده تصاویر و فیلم های داعش از سایت های این گروه ارائه شده است. جالب آن که بسیاری از عکس های داعش دارای جلوه های صحنه سازی شده بوده، در حالی که تصاویر منتشر شده از جنگ های گذشته دارای وجوهی مستندگونه هستند.

عکس های مربوط به جنگ جهانی دارای تاثیرات بسیار متفاوتی با عکس های داعش بود. برای مثال، عکس معروف ادی آدامز (عکاس آسوشیتدپرس) از کشته شدن شهروند ویتنامی توسط پلیس که مخفیانه ثبت شده بود اشاره کرد که منجر به تظاهرات ضدجنگ در آمریکا و پایان جنگ ویتنام شد. در حالی که در سوی دیگر تاثیرات عکس ها گاهاً با رزولوشن بسیار پائین در صدد تخریب روانی و ایجاد دلهره فردی و جمعی و ایجاد انگاره ترس فردی از تصاویری که عمدتاً اشخاص را به صورت فردی به وسیله سربردن اعدام می کنند.

همچنین تاثیرات این دست عکس ها بر روند تسلط پیدا کردن بر مناطق مشخص بود بطوریکه در هنگامه ورود دسته های مسلح داعش به شهرها، مردم و حتی نیروهای نظامی بدون مقاومت وادار به عقب نشینی و فرار و در نهایت تخلیه شهر شدند. هر تصویرف بسته به این که چطور از آن استفاده، کجا ارائه و یا چندبار به نمایش گذاشته شده است، از قدرتش کاسته می

شود. تصاویر دیر یا زود خسته مان می کند. اساس آنچه پوست کلفت شدن معنا می دهد، در پی بی ثباتی توجه مخاطب است. با افراط در پخش تصاویر، نخست هیجان زده و به سرعت دل زده می کند و تا اندازه ای نسبت به محتوا بی علاقه می کند. سیل ریزش تصاویر از تقدم بعضی از آن ها ممانعت می کند.

– تاثیرات متفاوت عکس های جنگ داعش در مقایسه با جنگ های گذشته

خصلت این نحله فکری این است که هنر و خلق آثار هنری را، شرک تلقی می کنند به طوری که مواجهه با آثار تاریخی و هنری در گروه تروریستی داعش به وضوح دیده می شود. همچنین این گروه از رسانه های اجتماعی به عنوان یک شیوه تبلیغاتی به گونه ای استفاده می کند که هیچ گروه تروریستی یا شورشی قبلاً از آن استفاده نکرده است. پژوهش ها نشان دهنده ی این است که افراد مورد هدف داعش با نوعی محرومیت نسبی مواجه هستند که این گروه برای استخدام این افراد از ابزارهای مختلف و نمادینی چون عکس، رسانه های اجتماعی، تبلیغات و... استفاده می کند. بنابراین، هویت امر بسیار مهمی در خشونت گرایی داعش به شمار می رود، زیرا سردرگمی هویتی ممکن است افراد را بیشتر در معرض خطر ابتلا به افراط گرایی قرار دهد. بدین ترتیب، آسیب پذیری های عاطفی ناشی از محرومیت نسبی و بحران هویت به همراه شیوه های تبلیغاتی به کار گرفته شده از سوی داعش برای افراطی کردن افراد، بر خشونت گرایی این گروه می افزاید.

– تاثیرات روانی عکس های جنگ داعش در دهه اخیر با وجود مدرن بودن زندگی امروزه بر جامعه

از ابتدای پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش بنیادی بودم که عکس های جنگ داعش چه تاثیرات روانی بر انسان ها دارند. تاثیرات روانی ترس از اعدام به شیوه سر بردن بنابه وضعیت مدرن و پخش انواع فیلم های سینمایی در ژانر ترسناک در رسانه های اجتماعی عمومیت یافته است و تصاویر کشتار عادی سازی شده است، لیکن عکس های نمایشی با کیفیت گاهاً نازل داعش هنوز توانسته بود مردم را تحت تاثیر قرار دهد و ایجاد ترس و وهمه را در جوامع مورد هدف خود نهادینه سازد. بدین ترتیب، از جمله موضوعات مهم و بحث برانگیز در گروه تروریستی داعش تصاویر، عکس ها و پیام های انتشار یافته توسط آن هاست، گویی با این کار می خواهد این پیام را به جهانیان مخابره کند که گروه داعش وحشی، خشن و زیان آور است. همان گونه که بیان شد داعش به طور کلی بر ایجاد وحشت متکی است. تصاویر سربردن، آتش زدن و ترور تنها بخشی از پیامی است که داعش به طور مداوم به دنبال ارسال آن است

بر اساس آنچه گفته شد، به نظر می رسد که داعش یک جنبش نمادین بود. داعش از نشانه مرگ نه برای ترساندن پیروان بلکه برای اشتیاق و جذب آنان سود می جوید شکل بازنمایی جنگ داعش، درنمایش عکسهای "جنگ داعش" در واقع، بر مبنای روایتی از "چگونگی مورد تجاوز قرار گرفتن سوریه" استوار است. روایتی که در همه ی تصاویر، با عکس های حاوی درون مایه ی "ویرانگی و آواره گی" یا "مرگ" آغاز میشود تا به وسیله ی تصاویر، عکس ها

و پیام های انتشار یافته توسط آنها، این پیام را به جهانیان مخابره کند که گروه داعش وحشی، خشن و زیان آور است. همان گونه که بیان شد داعش به طور کلی بر ایجاد وحشت متکی است.

منابع

- بارت، رولان (۱۳۸۸)؛ اتاق روشن؛ اندیشه هایی در باب عکاسی؛ ترجمه ی نیلوفر معترف؛ تهران: نشر چشمه؛ چاپ پنجم.
- بارت، رولان (۱۳۸۹)؛ پیام عکس؛ ترجمه ی راز گلستانی فرد؛ تهران: نشر مرکز؛ چاپ اول.
- پایه شناس؛ مرتضی (۱۳۸۷)؛ بررسی ویژگی های عکاسی جنگ. پایان نامه کارشناسی ارشد عکاسی، دانشگاه تهران، چاپ نشده.
- تودنهورف؛ یورگن (۱۳۹۴)؛ ده روز با داعش؛ از درون دولت اسلامی؛ ترجمه علی عبداللهی و زهرا معین الدینی؛ تهران؛ کتاب کوله پشتی صفحه ۲۳-۱۰.
- خونساری؛ شهریار؛ براتی؛ ناصر؛ جوادی؛ شهره (۱۳۹۹)؛ عکس های غیر حرفه ای جنگ ایران و عراق به مثابه متن؛ نشریه علمی باغ نظر؛ شماره ۱۷؛ صفحه ۲۱-۳۲.
- دهشیری؛ محمدرضا (۱۳۸۰)؛ نقش رسانه ها در عرصه سیاست خارجی در عصر جهانی شدن، جهانی شدن رسانه ها؛ تهران؛ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- رحیمیان؛ محمد مهدی (۱۳۹۱)؛ قربانیان جنگ، بررسی کنش متقابل در شیوه عکاسی و عکس های مهدی منعم؛ فصلنامه جامعه، فرهنگ، رسانه؛ پیاپی ۵؛ زمستان؛ صفحه ۴۵.
- ستاری؛ محمد؛ سیگارچیان؛ محمد حسین (۱۳۹۸)؛ معرفی چهار درونمایه ی اصلی حاکم بر تصاویر مجموعه کتاب های عکس جنگ تحمیلی، دفاع در برابر تجاوز. نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، شماره ۳، دوره ۲۴؛ صفحه ۹۶-۸۹.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۶). شرق شناسی؛ ترجمه لطف علی خنجی؛ تهران. امیرکبیر، صفحه ۴۵-۳۲.
- فوکو؛ میشل (۱۳۸۹)؛ نظم اشیا؛ دیرینه شناسی علوم انسانی؛ ترجمه ی یحیی امامی؛ تهران: پژوهشکده ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ چاپ اول صفحه ۲۵۶-۲۲۴.
- عبدالملکی؛ سعید (۱۳۹۴)؛ تحلیل پدیده روانشناختی پدیده داعش؛ با تاکید بر روانشناسی سیاسی؛ نشر علم؛ صفحه ۷۸-۵۴.
- نجات؛ سید علی (۱۳۹۴)؛ کالبدشکافی داعش؛ ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر؛ صفحه ۴۹-۲۹.